افق حوزه
• سال بیست و پنجم
• شماره ۸۸۹
• دوشنبه ۲۹ تیـر ۱۴۰۵
• ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان
Ofogh-e Hawzah Weekly
• صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
• مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: رضا رستمی
• سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه
• تلفن: ۳۲۹۰۰۵۳۸ • نمـابر: ۳۲۹۰۱۵۲۳
• صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱
• نشانی: قم، بلوار جمهوری اسلامی، کوچه ۲، پلاک ۱۵
• پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir
• پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir
• کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۶۵۵۸۶۸۰۱ (۰۲۱)

در محـضـر نـور

حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام

یابنَ آدمَ، إنّکَ لم‌تَزَلْ فی هَدمِ عُمرِکَ مُنذُ سَقَطتَ مِن بَطنِ اُمِّکَ؛ فَخُذْ مِمّا فی یَدَیکَ لِما بَینَ یَدَیکَ؛ فإنّ المؤمنَ یَتَزوَّدُ والکافِرَ یَتَمتَّعُ.

ای فرزند آدم، تو از همان لحظه که از شکم مادرت به دنیا آمدی، پیوسته در حال ویران‌کردن عمر خود هستی؛ پس از آنچه در دست داری (از فرصت‌ها و دارایی‌ها)، برای آنچه پیشِ رو داری (آخرت) توشه برگیر که همانا مؤمن توشه‌اندوزی می‌کند و کافر (تنها) کامجویی می‌کند و خوش‌گذرانی. بحارالأنوار، ۷۸ / ۶/۱۱۲

سخن بزرگان

شهید امام خامنه‌ای رحمه‌الله

جوانی‌تان را قدر بدانید؛ از این فرصت(عمر) استفاده کنید؛ برای این فرصت طولانی برنامه‌ریزی کنید؛ برای اینکه برنامه‌ریزی‌تان درست از آب دربیاید، فکر کنید؛ برای اینکه درست بتوانید فکر کنید، با قرآن آشنا بشوید، قرآن را بخوانید، تأمّل کنید، از کسانی که پیش از شما و بیش از شما تأمّل کردند یاد بگیرید. یادگرفتن ننگ نیست، افتخار است؛ همیشه باید یاد بگیریم، تا آخر عمر باید یاد بگیریم. فکر کنید، مطالعه کنید، شناسایی کنید، آنجایی که اقدام لازم است اقدام کنید. ۱۴۰۴/۶/۴

ثمره جهاد ملت ایران، حفظ انقلاب اسلامی
از دیدگاه آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی

به کوشش مجتبی جولایی‌فر

• ۱. نگاهی به مفهوم جهاد

این واژه در لغت به‌معنای تلاش و کوشش برای انجام هر کاری است.[۱] جهاد یک قانون عمومی در عالم آفرینش است و همه موجودات زنده جهان اعم از نباتات و حیوانات به‌وسیله جهاد، موانع را از سر راه خود بر می‌دارند تا بتوانند به کمالات مطلوب خود برسند؛ به‌عنوان مثال، ریشه درختی را می‌بینیم که برای به‌دست‌آوردن غذا و نیرو، به‌طور دائم در حال فعالیت و حرکت است و اگر روزی این فعالیت و کوشش را ترک گوید، ادامه زندگی برای او غیرممکن است.

به‌همین دلیل در هنگامی که در حرکت خود در اعماق زمین با موانعی برخورد کند، اگر بتواند آنها را سوراخ کرده و از آنان می‌گذرد. عجیب این است که ریشه‌های لطیف، گاهی همانند مته‌های فولادی به نبرد با موانع برمی‌خیزند و اگر احیانا این توانایی را نداشت، راه خود را کج کرده و با دورزدن از آن مانع می‌گذرد. در وجود خود ما در تمام شبانه‌روز حتی در ساعاتی که در خوابیم نبرد عجیبی میان گلبول‌های سفید خون ما و دشمنان مهاجم وجود دارد که اگر یک‌ساعت این جهاد خاموش گردد و مدافعان کشور تن دست از پیکار بکشند، انواع میکرب‌های موذی در دستگاه‌های مختلف رخنه کرده و سلامت ما را به مخاطره خواهند افکند.

و عین همین مطلب در میان جوامع انسانی و اقوام و ملل عالم وجود دارد. آنانی که همیشه در حال «جهاد» و «مراقبت» به سر می‌برند، همواره زنده و پیروزند و دیگرانی که به فکر خوش‌گذرانی و ادامه زندگی فردی هستند، دیر یا زود از بین رفته و ملتی زنده و مجاهد جای آنها را خواهند گرفت و همین است که رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «فمن ترک الجهاد البسه الله ذلا وفقرا فی معیشته ومحقا فی دینه ان الله اعز امتی بسنابک خیلها ومراکز رماحها؛[۲] آن کس که جهاد را ترک گوید، خدا بر اندام او لباس ذلت می‌پوشاند و فقر و احتیاج بر زندگی و تاریکی بر دین او سایه شوم می‌افکند. خداوند پیروان مرا به‌وسیله سم ستورانی که به میدان جهاد پیش می‌روند و به‌وسیله پیکان‌های نیزه‌ها، عزت می‌بخشد.»

و به‌مناسبت دیگری می‌فرماید: «اغزوا تورثوا ابنائکم مجدا؛[۳] جهاد کنید تا مجد و عظمت را برای فرزندان‌تان به میراث بگذارید!»

و امیر مؤمنان علی ع در ابتدای خطبه جهاد چنین می‌فرماید: « ... فان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة اولیائه وهو لباس التقوی ودرع الله الحصینة وجنته الوثیقة، فمن ترکه رغبة عنه البسه الله ثوب الذل وشمله البلاء ودیث بالصغار و القماءة... ؛[۴] جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را به روی دوستان خاص خود گشوده است. جهاد، لباس پرفضیلت تقوی است جهاد، زره نفوذناپذیر الهی است. جهاد، سپر محکم پروردگار است. آن کس که جهاد را ترک گوید، خداوند بر اندام او لباس ذلت و بلا می‌پوشاند و او را در مقابل دیدگاه مردم خوار و ذلیل جلوه می‌دهد ... .»

ضمناً باید توجه داشت که جهاد، تنها به‌معنی جنگ و نبرد مسلحانه نیست؛ بلکه هر نوع تلاش و کوششی را که برای پیشبرد اهداف مقدس الهی انجام گیرد، شامل می‌شود و به این ترتیب، علاوه بر نبردهای دفاعی و گاهی تهاجمی، مبارزات علمی، منطقی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز در بر می‌گیرد.[۵] بنابراین معنای جهاد به نبردهای دفاعی فقط ختم نمی‌شود و کوشش انسان برای سایر زمینه‌های مبارزاتی را در بر می‌گیرد.

• ۲. اقسام و اهداف جهاد در اسلام

بعضی از غرب‌زده‌ها، اصرار دارند جهاد اسلامی را منحصراً در جهاد دفاعی خلاصه کنند و با هر زحمتی که هست، تمام غزوات پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و یا جنگ‌های بعد از آن‌حضرت را، در این راستا توجیه کنند؛ درحالی‌که نه دلیلی بر این مسئله داریم و نه تمام غزوات رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در این معنی خلاصه می‌شود. بهتر این است به‌جای این استنباط‌های نادرست به قرآن باز گردیم و اهداف جهاد را از قرآن بگیریم؛ اهدافی که همه منطقی و قابل عرضه‌کردن به دوست و دشمن است.

خداوند متعال در آیات ۱۹۰تا ۱۹۳ سوره بقره در قرآن می‌فرماید: ﴿وَقاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ الَّذِینَ یُقاتِلُونَکُمْ وَلا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ (۱۹۰) وَاقْتُلُوهُمْ حَیْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَیْثُ أَخْرَجُوکُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلا تُقاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِالْحَرامِ حَتَّی یُقاتِلُوکُمْ فِیهِ فَإِنْ قاتَلُوکُمْ فَاقْتُلُوهُمْ کَذلِکَ جَزاءُ الْکافِرِینَ (۱۹۱) فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ (۱۹۲) وَقاتِلُوهُمْ حَتَّی لا تَکُونَ فِتْنَةٌ وَیَکُونَ الدِّینُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلا عُدْوانَ إِلاَّ عَلَی الظَّالِمِینَ (۱۹۳)؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد.(۱۹۰) و آنها را [بت‌پرستانی که از هیچ‌گونه جنایتی ابا ندارند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید و از آنجا که شما را بیرون ساختند [مکه]، آنها را بیرون کنید و فتنه (و بت‌پرستی) از کشتار هم بدتر است و با آنها، در نزد مسجدالحرام (در منطقه حرم)، جنگ نکنید؛ مگر اینکه در آنجا با شما بجنگند. پس اگر (در آنجا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید؛ چنین است جزای کافران.(۱۹۱) و اگر خودداری کردند، خداوند آمرزنده و مهربان است.(۱۹۲) و با آنها پیکار کنید تا فتنه (و بت‌پرستی و سلب آزادی از مردم) باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد. پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند، (مزاحم آنها نشوید؛ زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست.(۱۹۳)﴾

چنان که در آیات بالا خواندیم، جهاد در اسلام برای چند هدف مجاز شمرده شده است.

الف) جهاد برای خاموش‌کردن فتنه‌ها و به‌تعبیر دیگر جهاد ابتدایی آزادی‌بخش

می‌دانیم خداوند دستورها و برنامه‌هایی برای سعادت و آزادی و تکامل و خوشبختی و آسایش انسان‌ها طرح کرده است و پیامبران خود را موظف ساخته که این دستورها را به مردم ابلاغ کنند. حال اگر فرد یا جمعیتی ابلاغ این فرمان‌ها را مزاحم منافع پست خود ببینند و سر راه دعوت انبیاء علیهم‌السلام موانعی ایجاد نمایند، آنها حق دارند نخست از طریق مسالمت‌آمیز و اگر ممکن نشد، با توسل به زور، این موانع را از سر راه دعوت خود بردارند و آزادی تبلیغ را برای خود کسب کنند.

به‌عبارت دیگر، مردم در همه اجتماعات این حق را دارند که ندای منادیان راه حق را بشنوند و در قبول دعوت آنها آزاد باشند. حال اگر کسانی بخواهند، آنها را از حق مشروعشان محروم سازند و اجازه ندهند، صدای منادیان راه خدا به گوش جان آنها برسد و از قید اسارت و بردگی فکری و اجتماعی آزاد گردند، طرفداران این برنامه حق دارند، برای فراهم‌ساختن این آزادی از هر وسیله‌ای استفاده کنند و از اینجا ضرورت «جهاد ابتدایی» در اسلام و سایر ادیان آسمانی روشن می‌گردد. همچنین اگر کسانی مؤمنان را تحت فشار قرار دهند که به آیین سابق بازگردند، برای رفع این فشار نیز از هر وسیله‌ای می‌توان استفاده کرد.[۶]

ب) جهاد دفاعی

آیا صحیح است کسی به انسان حمله کند و او از خود دفاع ننماید؟ یا ملتی متجاوز و سلطه‌گر بر ملت دیگر هجوم ببرند و آنها دست روی دست گذارده، نابودی کشور و ملت خویش را تماشا کنند. در اینجا تمام قوانین آسمانی و بشری به شخص یا جمعیتی که مورد هجوم واقع شده، حق می‌دهد که برای دفاع از خویشتن به‌پا خیزد و آنچه در قدرت دارد، به کار برد و از هرگونه اقدام منطقی برای حفظ موجودیت خویش فروگذار نکند.

این نوع جهاد را، «جهاد دفاعی» می‌نامند؛ جنگ‌هایی مانند جنگ احزاب، احد، موته، تبوک و حنین و بعضی دیگر از غزوات اسلامی، جزء این بخش از جهاد بوده و جنبه دفاعی داشته است. هم‌اکنون بسیاری از دشمنان اسلام که جنگ را بر مسلمین تحمیل کرده‌اند و سرزمین‌های اسلامی را اشغال نموده و منابع آنها را زیر سلطه خود گرفته‌اند، چگونه اسلام اجازه می‌دهد در مقابل آنها سکوت شود؟[۷]

ج) جهاد برای حمایت از مظلومان

شاخه دیگری از جهاد که در آیات دیگر قرآن به آن اشاره شده، جهاد برای حمایت از مظلومان است، در آیه ۷۵ سوره نساء چنین آمده: ﴿وَما لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ الرِّجالِ وَالنِّساءِ وَالْوِلْدانِ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَةِ الظَّالِمِ أَهْلُها وَاجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا وَاجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ نَصِیراً؛ چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستمدیده‌ای) که می‌گویند: خدایا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند، بیرون ببر و برای ما از سوی خود، ولیی قرار ده و برای ما از سوی خود یار و یاوری معیّن فرما﴾.

به این ترتیب، قرآن از مسلمانان می‌خواهد که هم در راه خدا و هم مستضعفان مظلوم، جهاد کنند و اصولاً این دو از هم جدا نیستند و با توجه به اینکه در آیه فوق قید و شرطی نیست، این مظلومان و مستضعفان در هر نقطه جهان باشند، باید از آنها دفاع کرد؛ نزدیک و دور، داخل و خارج کشور نیز تفاوت نمی‌کند.

و به‌تعبیر دیگر حمایت از مظلومان در مقابل ظالمان در اسلام یک اصل است که باید مراعات شود؛ حتی اگر به جهاد منتهی گردد. اسلام اجازه نمی‌دهد، مسلمانان در برابر فشارهایی که به مظلومان جهان وارد می‌شود، بی‌تفاوت باشند و این دستور یکی از ارزشمندترین دستورات اسلامی است که از حقانیت این آیین خبر می‌دهد.[۸]

د) جهاد برای محو شرک و بت‌پرستی

اسلام آزادی عقیده را محترم می‌شمرد و هیچ‌کس را با اجبار دعوت به سوی این آیین نمی‌کند؛ به‌همین دلیل به اقوامی که دارای کتاب آسمانی هستند، فرصت کافی می‌دهد که با مطالعه و تفکر آیین اسلام را بپذیرند و اگر نپذیرفتند، با آنها به‌صورت یک «اقلیت هم‌پیمان» (اهل ذمه) معامله می‌کند و با شرایط خاصی که نه پیچیده است و نه مشکل، با آنها همزیستی مسالمت‌آمیز برقرار می‌نماید؛ در عین حال نسبت به شرک و بت‌پرستی، سختگیر است؛ زیرا شرک و بت‌پرستی نه دین است و نه آیین و نه محترم شمرده می‌شود؛ بلکه یک نوع خرافه و انحراف و حماقت و درواقع یک نوع بیماری فکری و اخلاقی است که باید به هر قیمت که ممکن شود، آن را ریشه‌کن ساخت.

کلمه آزادی و احترام به فکر دیگران، در مواردی به‌کار برده می‌شود که فکر و عقیده لااقل یک ریشه صحیح داشته باشد؛ اما انحراف و خرافه و گمراهی و بیماری چیزی نیست که محترم شمرده شود و به‌همین دلیل، اسلام دستور می‌دهد که بت‌پرستی به هر قیمتی که شده است، حتی به‌قیمت جنگ، از جامعه بشریت ریشه‌کن گردد. بت‌خانه‌ها و آثار شوم بت‌پرستی اگر از طرق مسالمت‌آمیز ممکن نشد، با زور ویران و منهدم گردند.

آری اسلام می‌گوید: باید صفحه زمین از آلودگی به شرک و بت‌پرستی پاک گردد و به همه مسلمین نوید می‌دهد که سرانجام توحید و یکتاپرستی به تمام جهان حاکم خواهد شد و شرک و بت‌پرستی ریشه‌کن خواهد گشت.

از آنچه در بالا- در مورد اهداف جهاد- آمد، روشن می‌شود که اسلام جهاد را با اصول صحیح و منطق عقل هماهنگ ساخته و هرگز آن را وسیله سلطه‌جویی و کشورگشایی و غصب حقوق دیگران و تحمیل عقیده و استعمار و استثمار قرار نداده است.

ولی می‌دانیم دشمنان اسلام سخنان زیادی بر ضد مسئله جهاد اسلامی ایراد کرده‌اند و اسلام را متهم به خشونت و توسل به‌زور و شمشیر برای تحمیل عقیده ساخته‌اند و به این قانون اسلامی سخت هجوم برده‌اند. به نظر می‌رسد، وحشت آنها از پیشرفت اسلام در جهان، به‌خاطر معارف قوی و برنامه‌های حساب‌شده، سبب شده است که از اسلام چهره دروغین وحشتناکی بسازند تا جلوی پیشرفت اسلام را در جهان بگیرند.[۹]

• ۳. جهاد ملت ایران ضامن حفظ نظام و انقلاب اسلامی

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در رویدادهای مختلفی به نقش مردم ایران در میدان مبارزه و جهاد علیه متجاوزان سخنانی ایراد کرده‌اند. نظیر کلام ایشان در دیدار اعضای ستاد حوزوی دائرةالمعارف دفاع مقدس که چنین اشاره کردند:

جنگی که ما در دوران هشت سال دفاع مقدس با آن روبه‌رو بودیم، در تاریخ سابقه نداشته است؛ گرچه با جنگ‌های مختلفی روبه‌رو بوده‌ایم؛ اما این جنگ از نظر گستردگی زمان و مکان مسبوق به سابقه نیست. باید تاریخ را نوشت و برای آیندگان به یادگار گذشت که هویت ملی و دینی حفظ شود تا این جرأت، شهامت و قدرت، به آینده و نسل‌های آینده منتقل شود و آیندگان بدانند، نیاکان و پدران ما با شرایط بسیار سخت در مقابل دشمنان به‌خوبی ایستادند و نگذاشتند، یک وجب از خاک کشور ما از دست برود.

همچنین ایشان در آن جلسه در مورد ایستادگی برای حفظ انقلاب اسلامی چنین تصریح کردند: انقلاب اسلامی به‌راحتی به دست نیامده است تا بخواهیم به‌آسانی آن را از دست بدهیم. هزاران جوان برای پیروزی این انقلاب خون دادند و در برابر دشمنان ایستادگی کردند تا به ثمر رسید.

همچنین افزودند: وقتی نسل آینده بفهمد که این نظام ارزان به دست نیامده که ارزان از دست رود، سبب می‌شود که در حفظ آن کوشش بیشتری کند تا از دست نرود.[۱۰]

همچنین ایشان در دیدار با رئیس‌جمهور محترم آقای پزشکیان، با اشاره به اهمیت حفظ اقتدار در برابر دشمنان اظهار کردند: هرگونه سستی موجب جسورترشدن دشمن می‌شود و هر اندازه اقتدار بیشتری از سوی مسئولان نشان داده شود، دشمنان ضعیف‌تر خواهند شد.

معظم‌له در بخش دیگری از سخنان خود، با قدردانی از صبر و مقاومت مردم، تصریح کردند: مردم با وجود دشواری‌های فراوان، ایستادگی کم‌نظیری از خود نشان داده‌اند و این مقاومت در دنیا کم‌نظیر است. از این ملت باید هم به‌صورت زبانی و هم در عمل قدردانی کرد.

ایشان همچنین بر ضرورت توجه به جایگاه رهبری و حفظ وحدت میان دولت و رهبری تأکید کرده و گفتند: هرچه فاصله میان دولت و رهبری کمتر باشد، موجب دلگرمی و آرامش بیشتر مردم خواهد شد.[۱۱]

• پی‌نوشت‌ها

۱. ناصر مکارم شیرازی، لغات در تفسیر نمونه، ص ۱۷۱.
۲. حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج۱۵، ص ۱۰.
۳. شیخ حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج۱۵، ص ۱۵.
۴. نهج‌البلاغه خطبه ۲۷.
۵. ناصر مکارم، تفسیر نمونه، ج۴، ص ۸۲.
۶. ناصر مکارم، تفسیر نمونه، ج۲، ص ۲۷-۲۶.
۷. همان، ص ۲۸-۲۷.
۸. همان، ص ۲۹-۲۸.
۹. همان، ص ۳۰-۲۹.
۱۰. دیدار آیت‌الله مکارم شیرازی با اعضای ستاد حوزوی دایرةالمعارف دفاع مقدس.
۱۱. دیدار رئیس‌جمهور مورخ ۷ تیر ۱۴۰۵.

عـطـریـــار

شوقِ پرواز

شهید امام خامنه‌ای رحمه‌الله

دل را ز بی‌خودی سرِ از خود رمیدن است
جان را هوای از قفس تن پریدن است
از بیم مرگ نیست که سرداده‌ام فغان
بانگ جرس زشوقِ به منزل رسیدن است
دستم نمی‌رسد که دل از سینه برکَنم
باری علاجِ شوق گریبان دریدن است
شامم سیه‌تر است ز گیسوی سرکشت
خورشید من برآی که وقت دمیدن است
سوی تو ای خلاصه گلزار زندگی
مرغ نگه در آرزوی پرکشیدن است
بگرفته آب و رنگ ز فیض حضور تو
هر گل در این چمن که سزاوار دیدن است
با اهل درد شرح غم خود نمی‌کنم
تقدیر غصّه دل من ناشنیدن است
آن را که لب به دام هوس گشت آشنا
روزی «امین» سزا لبِ حسرت گزیدن است

یادداشت

تجربه‌ها (۵)
هنر نوشتن

استاد جواد محدثی

نوشتن هنری است که قدرت انتقال معلومات و افکار را به دیگران افزایش می‌دهد. خیلی‌ها در پی آموختن رمز و راز نویسندگی و کار آمدند که هم باید دوره بگذرانند، استاد ببینند، مطالعه کنندو تمرین فراوان داشته باشند. صرف نوشتن، نویسندگی نیست.

آنچه به نوشته‌ها ارزش و جاذبه و اعتبار می‌دهد، این‌هاست:

۱. محتوای متعالی و صحیح؛
۲. صحت و درستی نگارش بر اساس قواعد و اصول؛
۳. رسانویسی و بلاغت؛
۴. زیبایی نوشته و جنبه‌های هنری آن.

برای آنکه نوشته‌ای مفید و جامع عرضه کنید:

۱. پیش از نوشتن فکر کنید.
۲. محورها و بخش‌های اصلی نوشته را مشخص سازید.
۳. درباره موضوع، اطلاعات لازم را از منابع تهیه کنید.
۴. مطالب را به‌صورت مطلوب، منطقی و پیوسته، تنظیم کنید.
۵. به آرایه‌ها و زیبایی‌های نوشته توجه داشته باشید.
۶. پس از تکمیل، یک‌بار خودتان آن را بخوانید و حکّ و اصلاح کنید.
۷. نوشته را جهت نقد و نظر و استفاده از راهنمایی‌های دیگران به آنان عرضه کنید.
۸. در نشر آن عجله نکنید و کار را پخته عرضه کنید.

آنچه در نویسندگی عامل توفیق است، غیر از علاقه و ذوق:

الف) پشتکار، تمرین و ممارست بسیار.
ب) خواندن آثار خوب گذشته و معاصر.